

موج مهربانی در آستانه مهر

درباره پوپیش ها و اقداماتی که در مشهد برای جذب بازماندگان از تحصیل انجام می‌شود



گزارش
روز



خبرنگار
مقصومه فرمائی

دانش آموزان حاشیه شهر تشنه آموختن هستند. می‌گوید: «بزرگ شده یکی از همین محلاتم»؛ محلاتی که ساکنانش معمولاً در فقر به دنیا می‌آیند، بزرگ می‌شوند و گوش بسته می‌میرند. اینجا، جایی است که بیشتر خانواده‌ها اعتقاد دارند دختر باید زود شوهر کند. دخترها حرف قبول و قرار بزرگ ترها ایشان با خاله، عمو و دایی نمی‌شوند و هنوز دوره بلوغ را کامل طی نکرده‌اند که راهی خانه بخت می‌شوند. دنیای پسرها کمی متفاوت تر است؛ آن‌ها کمک خرجی برای خانواده هستند. از همان شش هفت سالگی کارگری می‌کنند؛ کنار پدر، ملات به خورد دیوارهای دهنده و آجر روی آجر می‌گذارند تا دیوارهای یک خانه بالا برود، و اکس می‌زنند و ضایعات و پلاستیک جمع می‌کنند، گل و فال می‌فروشند، خلاصه هر کاری که لقمه‌ای نان برای سفره خالی‌شان بیاورد. می‌گوید: «توی آن دنیای بی‌دروپیکر بزرگ شدم. فکرش را نمی‌کردم یک‌روز بتوانم نام خودم و پدر و مادرم را بنویسم و بخواندن نوشته‌های روی در و دیوار ذوق کنم. این عبارت با مالک که ذهنم شده بود که می‌گفت مرد فقط با کار کردن بزرگ می‌شود. رفتم و کارگری کارگاه کفاشی شدم. درس خواندن، حق را بهتران بود. ما باید روزگار را جور جفت و جور می‌کردیم که شکم‌مان سیر باشد. ولی غروب که می‌شد و وقت گپ زدن با بچه‌ها، از آرزوهایمان حرف می‌زدیم؛ اینکه چقدر کیفیت دارم، ما هم یک‌روز قلم به دست بگیریم و بنویسیم». او هیچ وقت فکرش را نمی‌کرد که این آرزویش روزی محقق شود و یک‌روز پاییزی سرد بنشیند پشت نیمکت‌های کلاس و کنار گرمای مطبوع بخاری، حروف را هجی کند. هنوز هم نمی‌داند چه کسانی دست به دست هم دادند و رنگ پاشیدند روی آرزوهای هم‌سن و سال هایش.

موج مهربانی در راه است

سمانه رحیم زاده، مدیریت نمایندگی بنیاد کودک مشهد را عهده دار است و همانند مجموعه‌های دیگر در جفت و جور کردن فعالیت‌های قرارگاه مشهد مشارکت دارند. او قبل از شروع هر صحبتی می‌گوید: پانصد نفر در مشهد از پیش دبستانی تا مقطع دکتری، تحت حمایت هستند و تا زمانی که به لحاظ اقتصادی و مالی مستقل شوند، حامی دارند. البته تاریخچه شروع فعالیت بنیاد کودک به سال ۱۳۷۳ برمی‌گردد که دکتر مهرداد پیرایی و احمد ایران‌شاهی در شیرازان را کلید زدند و در سال ۱۳۷۸ ثبت رسمی شد ولی در حال حاضر ۴۱ نمایندگی در مرکز استان‌ها دارند و حدود ۱۱ هزار دانش‌آموز بورسیه تحصیلی هستند. لذت بخش‌ترین لحظات برای رحیم زاده، به عنوان فعال حوزه کودکان و دیگر همکارانش، زمانی است که کودکان و دانش‌آموزانی که از این چرخه خارج می‌شوند، در قالب همیار، حامی دانش‌آموزان کم‌بضاعت می‌شوند تا این چرخه متوقف نشود. او توضیح می‌دهد: سیستم حمایتی از دانش‌آموزان، به صورت بورسیه تحصیلی است که همیاران ماهیانه به حساب آن‌ها پرداخت می‌کنند. البته همیاران هم در ایران و هم در کشورهای نظیر سوئیس، آلمان، آمریکا و استرالیا فعالیت می‌کنند و براساس وسع و بضاعتی که دارند، حامی یک تا چند دانش‌آموز هستند.

مدیر نمایندگی بنیاد کودک مشهد ادامه می‌دهد: در این مجموعه، همیارانی داریم که حامی ۸۴ دانش‌آموز هستند. رحیم زاده می‌گوید: شرط حمایت مادران دانش‌آموزان مستعد و کم‌برخوردار هستند و معمولاً از کمیته امداد امام خمینی^(۱) و مدارس معرفی می‌شوند و اگر افرادی که معرفی می‌شوند، شرایط مدنظر بنیاد را داشته باشند، تحت حمایت قرار می‌گیرند. کودکان بازمانده از تحصیل در صورتی می‌توانند تحت پوشش قرار بگیرند که بیشتر از دو سال از زمان ترک تحصیلشان نگذشته باشد. او پشت بندش توضیح می‌دهد: البته براساس گزارش‌هایی که مددکار مربوط چنبار در سال از وضعیت خانوادگی آن‌ها به همیاران می‌دهد، کمک‌هایشان فرق می‌کند و بستگی دارد به اینکه چه نیازهایی در زمینه درمانی و معیشتی و... داشته باشند. مدیر نمایندگی بنیاد کودک مشهد صحبت‌هایش را با این جمله تمام می‌کند: منتظر پوشش زنگ مهر باشید تا هم در این مجموعه و هم در مجموعه‌های مشابه، شاهد موج مهربانی‌ای باشیم که جز با همدلی و همراهی آدم‌های خوب شهر به راه نمی‌افتد.

شوق زندگی هم در میدان است

موج مهربانی در حمایت از کودکان و دانش‌آموزان محروم در مجتمع حمایتی و قضایی «شوق زندگی» هم جریان دارد. مدیر و تمام فعالان در حوزه قضایی هم و غمشان این است که زیرساخت‌های شهری دوستدار کودک را در مشهد آماده کنند. نیره عابدین زاده، معاون دادستان مشهد و مدیر مجتمع شوق زندگی، می‌گوید: شاید دور از باور باشد، ولی هنوز دانش‌آموزان مستعد اما کم‌بضاعتی داریم که به خاطر نداشتن قلم و دفتر و کتاب، مدرسه را نمی‌کنند و باید این کودکان شناسایی و حمایت شوند. او ادامه می‌دهد: سازمان‌های مختلفی در این زمینه دخیل هستند؛ از آموزش و پرورش و ثبت احوال گرفته تا استانداری که وظیفه شناسایی و ثبت نام کودکان بازمانده از تحصیل را برعهده دارند و دستگاه قضایی به عنوان نهاد نظارتی، وظیفه دارد اطمینان حاصل کند که این سازمان‌ها کار خود را به خوبی انجام می‌دهند. عابدین زاده می‌گوید: دغدغه نهادها و ارگان‌های مختلف مثل شهرداری و ورودشان به مسئله، شایسته تحسین است. اما وظیفه غالب این نهادها چیز دیگری است و بهتر است یک پایگاه دائمی و ثابت در زمینه حمایت از دانش‌آموزان در پایگاه‌هایی مثل شوق زندگی باشد که به صورت تخصصی و ویژه روی این موضوع کار کنند تا از ظرفیت‌های موجود، استفاده و به صورت گروهی و هماهنگ به مشکلات کودکان رسیدگی کنند. از دیدگاه او برای حل معضل بازماندگی از تحصیل، نیاز به یک رویکرد جامع و چندجانبه است؛ اول شناسایی دقیق کودکان و دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل که باید حداقل سه ماه قبل از آغاز سال تحصیلی و با همکاری سازمان‌های مختلف انجام شود. آگاهی بخشی به خانواده‌ها هم در اولویت است و کارگاه‌های مختلف باید در این زمینه برگزار شود و بعد از آن، وارد حوزه مالی و کمک‌های تحصیلی و معیشتی شویم.

زندگی خوب، حق همه است

برخی فعالان اجتماعی در پی تحقق آرزوی این کودکان بازمانده از تحصیل و نشستن آن‌ها پشت میز و نیمکت مدرسه هستند. آن‌هایی که فرصت داشته‌اند به متن زندگی این کودکان ورود پیدا کنند، می‌دانند که نام برخی خانواده‌ها در لیست کمیته امداد امام خمینی^(۲) و سازمان بهزیستی است، با این حال مجبورند همه، کار کنند تا چرخ زندگی‌شان بچرخد. خیلی از این فعالان دمخور دانش‌آموزان هستند و از حسرت این بچه‌ها برای تحصیل تعریف می‌کنند و می‌گویند در عصر فناوری و توسعه، این آرزو عجیب و دور از باور است. جعفر شالچی به نیت حمایت از دانش‌آموزان مستعد و کم‌بضاعت، «بنیاد حرکت انسانی» را در مشهد پایه‌گذاری کرد. شالچی، آدم خوش فکری است که در مشهد متولد شده است و حالا مقیم دانمارک است. او با همراهی جمعی از خیراندیشان ایران و اروپا برای برابری و برقراری عدالت در همه جوامع، آستین بالا زده‌اند و کار می‌کنند و معتقدند باید یک درصد از سود ثروتمندان را برای آدم‌های کم‌بضاعت و تنگ‌دست کنار بگذارند؛ به همین خاطر بنیاد حرکت انسانی را پایه‌گذاری کرده است که حالا عمری هشت نه ساله دارد و نزدیک به هزار دانش‌آموز راحته حمایت و پوشش گرفته‌اند. او اعتقاد دارد داشتن یک زندگی خوب، حق هر انسانی است و از عدالت به دور است که عده‌ای بخواهند در فقر زندگی کنند. می‌گوید: در دنیای امروز که آدم‌ها از هم دور شده‌اند و هر کسی سرش گرم کار خود است، لحظه‌هایی که آدم‌ها کنار هم می‌ایستند، خیلی ارزشمند است و هر چیزی که از تپ و تاب بیفتد، مهربانی از مد نمی‌افتد. شالچی اعتقاد دارد پایان فقر، جهانی‌تر من و مطمئن‌تر برای همه ما ایجاد خواهد کرد و هر قدمی که به نیت دانش‌آموزان کم‌بضاعت برداریم، می‌تواند صدای بلند عدالت و رحمت و کرامت باشد. او می‌گوید: همیشه پیگیری بر درمان، مقدم بوده است و ما تلاش می‌کنیم تمام دانش‌آموزانی که تحت حمایت هستند، هیچ وقت از تحصیل بازمانند که بخواهیم آن‌ها را به این چرخه وارد کنیم؛ به همین خاطر علاوه بر جفت و جور کردن نوشت افزار و مقدمات تحصیل، به دنبال توانمندسازی خانواده‌های آن‌ها هستیم؛ چه در حوزه مهارتی و چه در حوزه روانی. کمک‌های مالی و معیشتی بخشی از کار است و مهم‌تر از آن، توانمندسازی آن‌ها و در حوزه‌های ارتباطی و اجتماعی است؛ به همین خاطر از مددکارها و کارشناس‌های روان‌شناسی کمک گرفتیم و دوره‌ها و کارگاه‌های مختلفی، هم برای دانش‌آموزان برگزار می‌کنیم و هم برای خانواده‌های آن‌ها و به ادامه این حرکت امیدواریم.

پیامبر اسلام؛ پیامبر اخلاق

انسانی‌اند. هرگاه دین از اخلاق تهی شود، به پوسته‌ای بی‌روح بدل می‌شود که همه عبادات در آن هم نمی‌توانند انسان را در عبودیت، گامی به پیش برند. اینجا است که می‌توان راز «إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق» را درک کرد؛ یعنی هدف نهایی رسالت او، تکمیل اخلاق نیکوست. پرورش انسان در مدار حُلقِ عظیم است. جهان در همیشه خویش و انسان تا بدیتِ خُود، نیازمند تکرار تجربه نبوی است. زمان و مکان نمی‌تواند او را به حصر خویش درآورد که او دیوارها



روزنامه نگار
غلامرضا
آبادی

کرد و نشان داد که جهان‌گشایی حقیقی، گشودن درهای دل و جان انسان‌هاست، نه تصرف سرزمین‌ها. درهای قلب که باز شود، در سرزمین‌ها هم شاهد انقلاب‌هایی خواهیم بود که پلشتی و بد رفتاری و طاغوتی‌گری را درهم خواهند شکست. تأمل در منهج رفتاری و خوانش مؤلفه‌های جامعه نبوی، ثابت می‌کند که دین داری در نگاه پیامبر^(ص)، چیزی جز التزام به اخلاق نبود. نماز، روزه، حج و سایر عبادات، همگی وسیله‌ای برای تعالی اخلاق و پاسداشت کرامت

پیامبر اسلام^(ص) را در طول تاریخ بیش از هر چیز به عنوان پیامبر اخلاق می‌شناسند. قرآن کریم او را «علی حُلقِ عظیم» توصیف می‌کند و همین تعبیر نشان می‌دهد که جوهره رسالت او نه در شمشیر و قدرت، بلکه در اخلاق، انسانیت و کرامت بود و تا همیشه نیز چنین است. آنچه بیش از همه قلب انسان‌ها را به سوی او جذب کرد، نه شکوه ظاهری و نه ثروت و ابزار سلطنت، بلکه تبسمی صادقانه، سلامی گرم و سلوکی سرشار از مهربانی و انصاف بود. با خوانش سلوک و سپهر انرژی منش حضرت، می‌توان به جرئت گفت که بزرگ‌ترین معجزه پیامبر^(ص)، پیش از هر معجزه دیگر، خود اوست؛ انسانی که با زیستنی متعالی، به‌الگوی جاویدان برای بشر بدل شد. او در جهانی پر از خشونت و جاهلیت و شمشیر، والبت تلاش می‌شود حال و احوال دانش‌آموزانی که در سامانه ثبت نام می‌شوند، به صورت دائم رصد شود و حمایت‌های معیشتی و درمانی شامل حالشان باشد.

یادداشت

رافرومی ریزد تا در جان مردمان تکرار شود و جهان‌شان را بسازد، لذا باید تأکید کرد که او اسوه‌ای است فراتر از زمان و مکان؛ الگویی که نه تنها برای جامعه عرب گرفتار جاهلیت، بلکه برای هر انسان در هر دوره و سرزمینی، الگویی زنده از زیست برتر انسانی است. پیامبر در جایگاه «اَسْوَه حَسَنَه» نشان داد که انسان می‌تواند در عین زیستن در زمین، آسمانی بیندیشد و در عین قدرت، متواضع باشد و در عین تواضع، برای احقاق حق، مقتدرانه عمل کند. راه بهترسازی زیست امروز، تاسی به این اسوه حسنه است. پیروی از پیامبر اسلام^(ص) یعنی پیروی از اخلاق؛ یعنی زیستن با صداقت، مهربانی، گذشت و عدالت و این همان میراثی است که اگر امت اسلامی آن را پاس دارد، نه تنها در میان ملت‌ها، بلکه در تاریخ و وجدان بشریت، صاحب جایگاه خواهد شد و در زیست انسان‌ها جاودانه خواهد ماند.